

پلیس تهران فاش کرد

# ریاست باند سرقت به خاطر عشق یک زن



**گروه حوادث:** پسر جوان که عاشق یک زن مطلقه شده بود به خاطر فراهم کردن خواسته‌های او باند سرقتی تشکیل داد. در این باند پسر عاشق پیشه همراهن زن جوان و همدست دیگرش گوشی قابی می‌کرد.

**زدی های سریالی**

چندی قبل ماموران کلانتری ۱۰۷ فلسطین در برابر پرونده‌های گوشی قابی در مرکز شهر قرار گرفتند و تبعی از ماموران برای دستگیری در زان حرفه‌ای وارد عمل شدند. ماموران در گام نخست به سراغ طعمه‌های دزدان رفته و در این مرحله مشخص شد که دزدان که ۲ مرد جوان هستند سوار بر موتور اقدام به قاچاق گوشی موبایل از طعمه‌هایشان می‌کنند.

**سرقت خوشن آمیز**

یکی از طعمه‌های دزدان به ماموران گفت: در کنار روز شگاه شیرودی در حال صحبت با تلفن موبایلم بودم که ناگهان دو جوان موتور سوار را در کنار خودم دیدم و یکی از آنها اقدام به قاچاق گوشی موبایلم کرد. وی افزود: وقتی به دنبال دزدان رفتم یکی از آنها برایم یک قمه کشید که دیگر از ترس پشیمان شدم و تعقیب‌شان نکردم. مرد جوانی که در نزدیکی بل کریمخان هدف دزدان قرار گرفته بود نیز گفت: در حال صحبت با گوشی موبایلم بودم که ناگهان ضرب‌های از پشت به سرم خورد و تا موبایلم را از روی گوشم برداشتم پسر جوان گوشی موبایلم را قاچید و در ادامه با نشان دادن یک قمه خواست تا آنها را تعقیب نکنم.

**سرقت از راننده تاکسی**

تجسس‌های پلیسی ادامه داشت و ماموران در جریان سرقت دیگری قرار گرفتند که راننده یک تاکسی طعمه دزدان شده بود. راننده تاکسی به ماموران

جوانی با من تماس گرفت و ادعا کرد قصد خرید گوشی موبایلم را دارم دوپس از اعتمادسازی گفت همسرش برای خرید تبلت و بررسی آن به جلوی در خانه‌مان بیاید. وی افزود: من که به زن جوان اعتماد کرده بودم پیشنهادش را پذیرفتم و شوهرش به جلوی در خانه‌ما آمد و پس از بررسی تبلت و پرداخت بخشی از پول آن ادعا کرد که پول تو حساب بانکی‌اش است و از من خواست باهم تا سر خیابان که بانک است بروم و پول را کارت به کارت کند. زن جوان ادامه داد: به سر خیابان رفتم که ناگهان مرد جوان سوار بر موتوری که در انتظارش بود شد و باهم پا به فرار گذاشتند.

**ادامه تحقیقات پلیسی**

ماموران کلانتری ۱۰۷ فلسطین با توجه به گسترده بودن این دزدی‌ها الیوم مجرمین سابقه‌دار را پیش روی طعمه‌هایشان قرار دادند و با توجه به اینکه در این سرقت‌ها دزدان از یک زن برای اجرای نقشه‌شان کمک گرفته بودند تصویر محمدرابه‌عنوان نخستین مظنون پیش روی طعمه‌های دزدان قرار دادند. طعمه‌های دزدان در همان ابتدا محمد را به عنوان همان دزدان گوشی‌هایشان معرفی کردند و همین کافی بود تا تجسس‌های پلیسی برای دستگیری سارق حرفه‌ای زده شد. ماموران روز پنجشنبه با شناسایی محمد و همسرش امیر در بازار تهران شناسایی کردند و با تحت نظر قرار دادند آنها در عملیاتی غافلگیرانه موفق به دستگیری دو مرد جوان شدند و در ادامه زن جوان که همدست این باند بود دستگیر شد.

**سرقت به پنهان خرید اینترنتی**

روز سه شنبه ۱۸ دی ماه سال جاری زن جوانی در تماس با ماموران کلانتری ۱۰۷ فلسطین از به سرقت رفتن تبلتش از سوی دوسارق موتور سوار خبر داد. بدین ترتیب تبعی از ماموران برای تحقیقات بیشتر در محل حاضر شدند و زن جوان به ماموران گفت: تبلتم را در سایت دیوار آگهی کرده بودم که زن

**سابقه داری؟**  
بله، سال گذشته بخاطر سرقت گوشی موبایل دست به سرقت زدم.  
**کی دستگیر شدی؟**  
۷ اسفندماه سال ۹۶ دستگیر شدم.  
**چندماه زندان بودی؟**  
۸ ماه زندان بودم تا اینکه توانستم رضایت‌شاکیان پرونده‌ام را بگیرم.  
**چطور رضایت گرفتی؟**  
۹۵ میلیون تومان پسول پرداخت کردم و توانستم رضایت بگیرم.  
**پول را از کجا تهیه کردی؟**  
پدر و مادرم پرداخت کردند.  
**چرا دوباره دزدی کردی؟**  
وسوسه شدم.  
**وسوسه؟**  
بله، بخاطر دختر مورد علاقه‌ام دست به دزدی زدم.  
**بخاطر یک دختر دزدی کردی؟**  
بله، حدیث از من یک تبلت می‌خواست و من پول زیادی نداشتم. به همین خاطر مجبور به دزدی شدم.  
**شبیوه و شوگرد؟**  
حدیث گفت که در سایت دیوار یک گوشی موبایل دیده‌است به همین خاطر با زن جوان قرار ملاقات گذاشتم و ابتدا ۴۵۰ هزار تومان به زن جوان پرداخت کردم و چون دیگر پول نداشتم دست به سرقت زدم.

**خانواده‌ات می دانستند یا حدیث در ارتباط هستی؟**  
بله.  
**چرا از آنها کمک نخواستی؟**  
خانواده‌ام مخالف از دواج با حدیث بودند.  
**چرا؟**  
چون حدیث در گذشته یکبار از دواج کرده و طلاق گرفته بود.  
**حدیث بزرگتر از تو است؟**  
بله، من کوچکتر است.

نه، از من کوچکتر است.  
**اگر آزاد شوی و حدیث دوباره خواسته‌ای داشته باشد دزدی می‌کنی؟**  
پسر جوان در حالیکه به چشمان گریان دختر مورد علاقه‌اش نگاه می‌کرد گفت: حدیث دیگر هیچ خواسته‌ای از من نخواهد داشت. در این صحنه حدیث نیز با شاک و تکان دادن سرش حرف‌های محمدر را تایید کرد.  
**شنیدم خانواده‌ات وضعیت مالی خوبی دارند، جای آنها بودی چه می‌کردی؟**  
نمی‌دانم.  
حدیث ۲۱ ساله که بخاطر تبهکاری شوهر سابقش از او جدا شده بود حالا خودش باعث تبهکاری یک جوان شده‌است.  
**اعتیاد داری؟**  
الان نه، فقط سیگار می‌کشم.  
**چرا از همسرت جدا شدی؟**  
اعتیاد داشت و خلاف می‌کرد.  
**تو آن زمان اعتیاد نداشتی؟**  
من مواد می‌فروختم و خودم زیاد مصرف نمی‌کردم.  
**چطور با محمد آشنا شدی؟**  
۲ سال پیش با محمد در خیابان منبریه آشنا شدم.  
**سابقه داری؟**  
سال گذشته بخاطر همدستی با محمد دستگیر شدم.  
**چندماه زندان بودی؟**  
۱۰ ماه.  
**حرف آخر؟**  
پشیمانم و محمد بخاطر من خلاف کرده‌است.  
بنابه این گزارش، متهمان که از سوی ۲۵ نفر شناسایی شده‌اند برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران پلیس آگاهی تهران قرار گرفته‌اند.

اخبار حوادث

**اعدام ۳ سارق مسلح در ملاء عام**

صبح دیروز سارقان طلافروشی در میدان هفت تیر یاسوج به دار مجازات آویخته شدند. به گزارش روابط عمومی و ارتباطات دادگستری کل استان کهگیلویه و بویراحمد به دنبال تایید حکم محاربه سارقان طلافروشی استان های فارس و کهگیلویه و بویراحمد در دیوان عالی کشور، این حکم امروز با حضور جمعی از مردم یاسوج اجراء شد. سارقان به اسامی کیکاووس جمال سیرت، رستم رضایی و عبدالله جوهری ، در سرقت های خود به زور اسلحه و با رعب و تهدید ، اقدام به سرقت می کردند و در برخی موارد به سوی افراد عادی نیز تیراندازی می کردند. لازم به ذکر است افراد اعدامی در شهرهای یاسوج، گچساران، دهدشت و شهر اقلید در استان فارس اقدام به سرقت های متعدد کرده بودند.

**آتش زدن مرد تهرانی**

**پس از شکنجه در خانه مجردی**  
جسد مرد ۷۴ ساله‌ای به طرز مشکوکی در یک آپارتمان در خیابان شهید دستغیب تهران کشف شد. آثار خراشیدگی روی صورت، داخل دهان و روی بدنش نشان از شکنجه وی دارد. ساعت ۱۸:۳۰ روز شنبه مأموران کلانتری ۱۱۹ مهرآباد جنوبی در تماس با باز پرس کشیک قتل پایتخت اعلام کردند مرد ۷۴ ساله‌ای به طرز مشکوکی در یک آپارتمان در خیابان شهید دستغیب به کام مرگ فرورفته‌است. دقایقی بعد از اعلام این خبر محسن مدیرروستا؛ باز پرس امور جنایی تهران همراه اکیب تشخیص هویت آگاهی در محل اعلام خبر حاضر شدند. کارآگاهان در محل حادثه با جسد متوفی در حالیکه خراشیدگی روی صورت، داخل دهان و روی بدنش وجود داشت، مواجه شدند. کارآگاهان در نخستین گام تحقیقات سراغ همسایه متوفی که پلیس را مطلع کرده بود، رفته که وی در اظهاراتش به باز پرس گفت: فرد ناشناسی زنگ خانه من را زد و گفت متوفی دچار حادثه شده که من از پله‌ها پایین آمدم و با جسد متوفی در راهرو طبقه دوم مواجه شدم. وی افزود: زمانیکه وارد منزل متوفی شدم، وسایلی خانه در حال سوختن و دود منزل را فرا گرفته بود که با کمک خاموش‌کننده دستی و آب، آتش را خاموش کردم. در ادامه تحقیقات مشخص شد متوفی به تنهایی در منزل سکونت داشته و بهم ریختگی وسایل منزل، از درگیری داخل خانه خبر می‌داد. در نهایت با محسن مدیرروستا؛ باز پرس ویژه قتل پایتخت جسد متوفی برای بررسی علت دقیق مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات برای رمز گشایی درباره این پرونده در جریان است.

**دستگیری قاتل فراری بعد از ۱۴ سال**

رئیس پلیس آگاهی استان قزوین گفت: قاتل مرد ۵۹ ساله که از ۸۳ متواری بود به دام پلیس قزوین افتاد. سرهنگ آرش مرادی رئیس پلیس آگاهی استان قزوین گفت: سال ۸۳ در یک درگیری بین دو طایفه در روستای نظام آباد، دو برادر پس از تیراندازی با اسلحه به سمت مقتول، فرار کردند. سرهنگ مرادی افزود: ماموران پلیس آگاهی با اقدامات اطلاعاتی و فنی پلیسی در سال ۹۲ موفق به دستگیری یکی از برادران مظنون به قتل شدند که وی در بازجویی‌های ماموران منکر قتل مرد ۵۹ ساله شد. وی اضافه کرد: متهم اعتراف کرده بود که برادرش با شلیک دو گلوله دست به قتل زده‌است.

رئیس پلیس آگاهی استان گفت: متهم که مظنون به قتل بود با تشکیل پرونده به مراجع قضائی معرفی و روانه زندان شد. سرهنگ مرادی افزود: تحقیقات درباره دستگیری متهم اصلی پرونده قتل ادامه پیدا کرد تا اینکه متهم در دی ماه امسال پس از بازگشت از استان های جنوبی کشور در مخفیگاهش دستگیر شد. رئیس پلیس آگاهی استان تصریح کرد: متهم در بازجویی‌های ماموران به قتل مرد ۵۹ ساله با اسلحه و شلیک گلوله به سمت سر و سینه وی اعتراف کرد. وی افزود: قاتل، علت و انگیزه قتل را درگیری‌های مکرر طایفه‌ای با خانواده مقتول بیان کرد. سرهنگ مرادی گفت: متهم با تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضائی معرفی شد.



وی در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد و توانست رضایت اولیای دم را جلب کند. به این ترتیب با پرداخت دیه از قصاص رهایی یافت اما به خاطر شرب خمر و سرقت گوشی موبایل ناهید به ۱۵ سال زندان محکوم شد. وی به حکم صادره اعتراض کرد.

**نقض حکم**

با این اعتراض پرونده در دیوان عالی کشور مورد بررسی قرار گرفت و حکم صادره نقض شد. به این ترتیب امین دیروز در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی زالی و با حضور یک مستشار پای میز محاکمه ایستاد.

**دادگاه دوم**

وی که با قرار وثیقه آزاد بود در تشریح ماجرا گفت: مدتی بود با ناهید آشنا شده بودم. ما با هم رفت و آمد داشتیم و به هم علاقه‌مند شده بودیم او می‌خواست ازدواج کند اما من شرایط ازدواج نداشتم. من به دروغ به او گفته بودم دکتر داروساز هستم.

جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه ایستاد. در این جلسه حمید که حالا ۳۵ سال دارد گفت: مادرم فوت شده بود و من حال روحی خوبی نداشتم. به همین خاطر وقتی قاسم ناسزا گفت کنترل اعصابم را از دست دادم. من در یک قدمی اعدام بودم و زندگی برایم تمام شده بود که اولیای دم حاضر به گذشت شدند. پدرم خانه‌اش را که تنها دارایی‌اش بود فروخت و به عنوان دیه به اولیای دم داد تا امر نجات دهد. حالا خانواده‌ام اجاره نشین شده‌اند و روزهای سختی را گذرانده‌ام. من واقعا پشیمانم و تقاضای بخشش دارم. قصد دارم بعد از آزادی از زندان سراغ اولیای دم بروم و بار دیگر از آنها حلالیت بخواهم. من قصد دارم گذشته سختی را که برای پدرم خواهر و برادرهایم به وجود آوردم جبران کنم. در پایان جلسه هیات قضائی وارد شور شد تا رای صادر کند. ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی وی را به ۱۲ سال زندان محکوم کرد. به این ترتیب حمید به زودی آزاد خواهد شد.

**فریب مرگبار یک دختر در نقش دکتر داروساز**

**گروه حوادث:** پسری که در نقش دکتر داروساز دختری را اغفال کرده بود دست به جنایتی هولناک زد. خانواده دختر جوان قاتل او را بخشیدند و وقتی قضات این پسر را به ۱۵ سال زندان محکوم کرد در ایستگاه دیوانعالی کشور این حکم نقض شد تا بار دیگر قضات دادگاه کیفری استان تهران به بررسی قضای دست بزنند.

**دختر گم شده**

هفتم آبان ماه سال ۹۱ خانواده دختر ۳۰ ساله‌ای نزد پلیس تهران رفتند و ادعا کردند دخترشان آخرین بار خانه‌اش را ترک کرده و دیگر ننگشته‌است. مادر ناهید با مراجعه به کلانتری ۱۴۰ باغ فیض گفت: دخترم دیروز از خانه بیرون رفت اما دیگر بازنگشت نگران او هستم و نمی‌دانم چه بلایی سرش آمده‌است.

**کشف جنازه یک زن**

پلیس به تحقیق پرداخت تا ساری از دختر جوان بیابد، تا اینکه سه روز بعد مأموران پلیس جنازه دختر جوان را داخل سطل زباله در بلوار فردوس پیدا کردند. شواهد نشان می‌داد این دختر با ضربات چاقو کشته شده‌است. جنازه به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیق برای یافتن عامل جنایت آغاز شد.

**درگیری های پسر فراری**

پلیس در نخستین گام از تحقیقات به بررسی فهرست مکالمات تلفنی دختر جوان پرداخت و به رابطه پنهانی او با یک مرد ۳۵ ساله پی برد. تلاش برای ردیابی امین که نسخه بیچ یک داروخانه بود آغاز شد اما وی به محل نامعلومی گریخته بود.

**اعتراف**

یک سال از این ماجرا گذشته بود که امین در جنوب کشور ردیابی و بازداشت شد و ادعا کرد از سر نوشت دختر جوان بی‌اطلاع است. اما در مسیر تحقیقات لب به بیان حقیقت گشود و به قتل اعتراف کرد.

حمید با شیشه شکسته نوشابه به شکم قاسم زد و گریخت. بدین ترتیب پلیس به ردیابی حمید پرداخت و وی را بازداشت کرد. حمید ۲۳ ساله در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: مقتول و دوستانش بی دلیل با ما درگیر شدند. او یک شیشه نوشابه به طرفم پرتاب کرد و به پدر و مادرم ناسزا گفت. چون مادرم به تازگی فوت شده بود کنترل اعصابم را از دست دادم و با شیشه شکسته نوشابه به قاسم حمله کردم. من قصد کشتن او را نداشتم ولی نمی‌دانم چطور شد که شیشه شکسته به پهلویش فرود رفت. با اعترافات پسر جوان و بازسازی صحنه جرم وی پای میز محاکمه ایستاد و به قصاص محکوم شد. حکم صادره در دیوان عالی کشور تایید شده و حمید در ۱۲ سال پیش رخ داد.

**نجات از اعدام عامل جنایت خیابانی**

**گروه حوادث:** پسر جوان که ۱۲ سال قبل در درگیری خیابانی دست به جنایت زده بود از قصاص رهایی یافت. اوایل تابستان سال ۸۵ به مأموران پلیس آگاهی خبر رسید در درگیری خیابانی در محله مهرآباد جنوبی پسر ۲۴ ساله‌ای به نام قاسم با ضرب‌های شیشه شکسته نوشابه به شکمش زخمی و در راه انتقال به بیمارستان جان سپرده‌است. یکی از دوستان مقتول که شاهد ماجرا بود گفت: من، قاسم و چند نفر از دوستانم سر خیابان ایستاده بودیم که حمید و دوستانش که بچه محل مان هستند سر رسیدند. آنها به ما چپ چپ نگاه کردند و ما هم درگیر شدیم. در آن درگیری